



بسم الله الرحمن الرحيم

(مسألة ۳): يشترط في صحة الصوم المندوب مضافا إلى ما ذكر أن لا يكون عليه صوم واجب من قضاء أو نذر أو كفارة أو نحوها مع التمكن من أدائه و أما مع عدم التمكن منه كما إذا كان مسافرا و قلنا بجواز الصوم المندوب في السفر أو كان في المدينة و أراد صيام ثلاثة أيام للحاجة فالأقوى صحته . گفتیم شرط صحت روزه ی مستحبی این است که روزه ی واجبی بر گردن انسان نباشد از این رو اگر کسی قضای ماه رمضان، روزه ی نذری و یا روزه ی کفاره بر گردشش است نمی تواند روزه ی مندوب به جا آورد ، در جلسه ی قبل روایات این حکم را خواندیم و بررسی کردیم .

صاحب جواهر نیز در جلد ۱۷ ص ۴۰۲ به تبع دروس و صاحب مدارک بعد از آنکه حکم مزبور را نقل می کند می فرماید ؛ هذا مع التمكن من ادائها یعنی این حکم در صورتی است که فرد متمکن از ادای روزهای واجب باشد که در این صورت نمی تواند روزه ی مستحبی بگیرد . مثال اول اینکه اگر کسی در حال مسافرت باشد نمی تواند روزه بگیرد مگر اینکه نذر کرده باشد که در سفر روزه ی مستحبی بگیرد البته بعضی هم فتوا داده اند که صوم مندوب در سفر مطلقا جایز است ولی ما به آن قائل نیستیم ، بنا بر قول به جواز مطلقا، فرد در سفر نمی تواند روزه ی واجب بگیرد ولی روزه ی مستحبی را می تواند بگیرد .

مثال دوم اینکه فردی برای برآورده شدن حاجتی سه روز در مدینه اقامت می کند او هر چند در سفر است ولی می تواند آن سه روز را روزه بگیرد ولی روزه ی واجب را چون در حال سفر است نمی تواند انجام دهد درواقع چون متمکن از ادای روزه ی واجب نیست می تواند روزه ی مستحبی بگیرد . به هر حال بحث در مزاحمت روزه ی واجب و مستحب به این بر می گردد که آیا این

مزاحمت در امر فعلی است یا در امری شأنی؟ کسی که در سفر است امر به روزه ی واجب در ذمه ی او شأنی است نه فعلی زیرا او در سفر نمی تواند روزه ی واجب خود را به جا آورد . آیه الله خوانساری مانع را اشتغال ذمه می داند چه فعلی باشد یا شأنی از این رو حتی روزه ی مستحبی در سفر را جایز نمی داند و در تمام مثال های فوق خدشه کرده است و قائل است کسی که روزه ی واجب به ذمه دارد تا ادا نکند در هیچ حالی نمی تواند روزه ی مستحبی بگیرد ولی صاحب عروة و آیه الله بروجردی و بعضی از محشین مانع را امر فعلی منجز می دانند . نقول : باید دید که از روایات چه استفاده ای می کنیم آیا استفاده می کنیم که اصل اشتغال ذمه به فریضه مانع است و یا اشتغال فعلی؟ و به نظر ما مانع امر فعلی منجز است . آیه الله خوئی در مستند العروة جلد ۱ ص ۴۷۶ ادعا می کند که اخبار از کسی که متمکن از ادای واجب است انصراف دارد . صاحب مذهب الاحکام و مستمسک و مصباح الهدی هم سخن صاحب عروة را تقویت می کنند .

سپس صاحب عروة مثال سومی می زند و می فرماید ؛ و کذا إذا نسی الواجب و أتى بالمندوب فإن الأقوى صحته إذا تذكروا بعد الفراغ و أما إذا تذكروا في الأثناء قطع و يجوز تجديد النية حينئذ للواجب مع بقاء محلها كما إذا كان قبل الزوال . این مثال در مورد کسی است که فراموش کرده است روزه ی واجب به ذمه اش است و روزه ی مستحبی گرفته است و بعد از تمام شدن روزه متوجه شده ، چنین شخصی امر منجز فعلی به انجام روزه ی واجب ندارد زیرا فراموش کرده است روزه ی واجب به گردن اوست از این رو روزه ی مستحبی او بلا اشکال است ، بلکه اگر او در اثناء روزه متوجه شود که روزه ی واجب به گردشش است دو صورت دارد ؛ یا قبل از ظهر متوجه می شود و یا بعد از ظهر ، اگر قبل از ظهر باشد نیت را می تواند به روزه ی واجب بر می گرداند ولی اگر بعد از ظهر باشد دیگر نمی تواند نیت را برگرداند و روزه اش هم صحیح است .

صحیح است زیرا بعد از نذر، این روزه های مستحبی واجب می شوند و دیگر از مستحب بودن بیرون می آیند از این رو نذر صحیح است، و از طرفی ممکن است نذر باطل باشد زیرا فرد در واقع نذر می کند که روزه ی مستحبی بگیرد و این همان تطوع قبل از فریضه است که جایز نمی باشد، این شاء الله فردا این بحث را بیشتر توضیح می دهیم ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

صاحب عروة در ادامه می فرماید؛ و لو نذر التطوع علی الإطلاق صح و إن كان علیه واجب فيجوز أن يأتي بالمنذور قبله بعد ما صار واجباً. این فرع در مورد کسی است که برای گرفتن روزه ی مستحبی نذر کرده باشد در این حال هرچند بر ذمه اش روزه ی واجب هم باشد می تواند روزه ی مستحب منذور را قبل از آن به جا آورد و علت آن هم این است که انجام این روزه ی مستحبی هم واجب می شود و این خود در حکم روزه ی فریضه است و می شود آن را به جا آورد.

بعد صاحب عروة اضافه می کند؛ و کذا لو نذر أياماً معينة يمكن إتيان الواجب قبلها. این در مورد نذری است که فرد نذر معینی کرده است مثلاً نذر کرده است از اول ماه ربیع الاول چند روز روزه بگیرد در حالی که چند روز روزه کفاره نیز به گردش می باشد در چنین صورتی می تواند اول روزه ی منذور را در وقت خودش به جا آورد و بعد به سراغ روزه ی کفاره برود و یا بر عکس به اینگونه که اول روزه ی کفاره را و بعد روزه ی منذور را بجا آورد.

سپس صاحب عروة فرع دیگری را مطرح می کند و می فرماید؛ و أما لو نذر أياماً معينة لا يمكن إتيان الواجب قبلها ففي صحته إشكال من أنه بعد النذر يصير واجباً و من أن التطوع قبل الفريضة غير جائز فلا يصح نذره. این فرع در مورد کسی است که نذر کرده ایام معینی را روزه بگیرد ولی قبل از آن ایام دیگر فرصت ندارد روزه ی واجب خود را بگیرد در این صورت در صحت نذر اشکال است، علت آن این است که چند روز روزه ی واجب مانند روزه ی کفاره بر عهده ی شخص است و او باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد، مثلاً فردی در ماه رجب است و باید تا ماه رمضان همه ی شصت روز را روزه بگیرد او اگر نذر کند که در ماه شعبان روزه بگیرد دیگر نمی تواند شصت روز را تمام کند و لاقلاً نمی تواند سی و یک روزه را متتابعاً روزه بگیرد یعنی در این صورت نذر او موجب از بین رفتن تنابع می شود، در این حال ممکن است بگوییم که نذر او